

جلد ۱ و ۲

مقدمه علم الاخلاق

ترجمه و تألیف

صلاح الدین سلجوقی

با مقدمه‌ی محسن جوادی







سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: سلجوقی، صلاح‌الدین، ۱۲۷۴ - ۱۳۴۹. Saljuqi, Salah al-Din.

عنوان و نام پدیدآور: مقدمه علم اخلاق / تألیف و ترجمه صلاح‌الدین سلجوقی؛ با مقدمه محسن جوادی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۹۶۸ ص.

شابک: 0 - 47 - 6580 - 600 - 978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: چاپ دوم.

موضوع: اخلاق

موضوع: Ethics

شناسه افزوده: جوادی، محسن، ۱۳۴۲ - ، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: Javadi, Muhsin

رده‌بندی کنگره: BJ ۱۱۸۵ | رده‌بندی دیویی: ۳۷۰

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۰۰۰۳

مقدمه علم اخلاق

تأليف و ترجمه

صلاح الدين سلجوقى

با مقدمه محسن جوادى



مؤسسه انتشارات عرفان

تهران، ۱۴۰۰



مؤسسه انتشارات عرفان

• مقدمه علم اخلاق

• صلاح الدین سلجوقی

با مقدمه محسن جوادی

حروف نگاری: شیما طاهریون

ویرایش: محمدکاظم کاظمی، سمیه چوپانی، زهره هاشمی

صفحه آرایی: محمدکاظم کاظمی | طرح جلد: باسم الرسام

نوبت چاپ: دوم (اول عرفان) ۱۴۰۰

لیتوگرافی: ترنج | چاپ: فرشیوه | صحافی: نوری

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

چاپ همزمان در ایران و افغانستان

حق چاپ در افغانستان و ایران برای ناشر محفوظ است

تهران، بولوار کریم خان زند، خیابان خردمند شمالی، پلاک ۱۰۱، طبقه سوم، واحد ۷

مؤسسه انتشارات عرفان، تلفن: ۹۱۲۳۱۳۱۴۵۵ - ۰۰۹۸

کابل، چوک دهبوری، چهارراهی شهید، کتاب فروشی موسسه انتشارات عرفان.

تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۰۰۹۳

ایمیل: ketaberfan@yahoo.com

تلگرام: @ketaberfan

ISBN: 978 - 600 - 6580 - 47 - 0

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۸۰ - ۴۷ - ۰

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

فهرست

یادداشت ناشر.....	۱۷
پیش‌گفتار.....	۲۱
زندگی‌نامه مؤلف.....	۲۷
فهرست مآخذ.....	۲۹
دیباچه.....	۳۳
اول، هویت علم اخلاق.....	۷۱
تعریف علم اخلاق.....	۷۳
غرض علم اخلاق.....	۷۳
موضوع علم اخلاق.....	۷۴
۱. علم اخلاق طبیعی است و یا علم قانونی؟.....	۷۹
۲. علم اخلاق نه علم عملی است و نه هم فن.....	۸۰
۳. علم طبیعی و علم اخلاق.....	۸۵
۴. علم اخلاق و علم الحیات.....	۸۵
۵. علم النفس و علم اخلاق.....	۸۶
۶. منطق، زیباپسندی و علم اخلاق.....	۸۷
۷. علم مابعدالطبیعه و علم اخلاق.....	۸۷
۸. علم اخلاق و فلسفه سیاسی.....	۸۸

- ۸۹..... ۹. علم اخلاق و علم اقتصاد
- ۹۰..... ۱۰. تقسیم ابعاد اخلاق
- ۹۱..... ۱۱. انشعاب مکاتب اخلاقی:
- ۱۰۰..... سند و مصدر اخلاق
- ۱۰۱..... محرک سلوک
- ۱۰۵..... دوم، ادوار اخلاق
- ۱۰۷..... آ. دوره یونان و روم
- ۱۱۱..... ۱. فیلسوف های قبل از سقراط
- ۱۱۳..... ۲. سوفسطایی ها
- ۱۱۴..... ۳. سقراط (۴۷۰ - ۳۹۹ ق م)
- ۱۱۹..... ۴. مکاتب اولای فکر علم الاخلاقی
- ۱۲۰..... ۵. فلاطون (در اطراف ۴۲۷ - ۳۴۷ ق. م):
- ۱۶۷..... ۶. مُثُل فلاطونی
- ۱۷۳..... ۷. ارسطو
- ۱۷۸..... ۸. کلبیون
- ۱۸۱..... ۹. رواقیون
- ۱۹۷..... ۱۰. قیرانیون
- ۲۰۰..... ۱۱. ابیقور
- ۲۰۶..... ۱۲. مکتب ابیقور
- ۲۱۰..... ۱۳. مکاتب متأخرین
- ۲۱۱..... ۱۴. شکی ها - لادری ها
- ۲۱۴..... ب. دوره قرون وسطی
- ۲۱۴..... فلاطونیه نو
- ۲۱۹..... ج. دوره جدید
- ۲۲۶..... ۱. دیکارت (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰)
- ۲۲۷..... ۲. اسپینوزا (۱۶۳۲ - ۱۶۷۷)
- ۲۳۱..... ۳. لای (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴)
- ۲۳۲..... ۴. هیوم (۱۷۱۱ - ۱۷۷۶)

۲۳۳	۵. کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴)
۲۳۹	۶. مثالیت جرمنی
۲۴۴	۷. دوره بسیار جدید اخلاق
۲۴۵	احراریت انگلیسی در مکتب منفعتی بنّام
۲۴۸	۸. علم اخلاق، نشو و ارتقا
۲۴۹	۹. هربرت اسپنسر (۱۸۲۰ - ۱۹۰۳)
۲۵۴	۱۰. استفن
۲۵۵	۱۱. فردریک نیچه (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰)
۲۶۰	۱۲. اخلاق و پراگماتیسم مکتب ذریعه
۲۶۹	د. ما و علم اخلاق
۲۶۹	۱. دوره ثنویت
۲۸۵	۲. دوره وحدت
۲۹۶	۳. دوره مدرسی ما
۳۱۲	۴. شیخ الرئيس ابوعلی سینا
۳۱۹	۵. شیخ محی الدین ابن عربی
۳۲۱	۶. جلال الدین محقق دوانی
۳۲۳	۷. محقق طوسی
۳۲۴	۸. ملا حسین کاشفی
۳۲۷	سوم، ابعاد اخلاق
۳۳۱	بُعد اوّل اخلاق: علم النفسی
۳۳۳	موقف اوّل: میول و محرکات
۳۳۴	۱. آرزو و اراده
۳۳۴	۲. احتیاج و خواهش
۳۳۵	۳. خواهش و آرزو
۳۳۶	۴. دنیا‌های آرزو
۳۳۸	۵. آرزو و امید
۳۳۸	۶. امید و خواست
۳۳۹	۷. خواست و اراده

۳۴۰	۸. تصمیم
۳۴۲	۹. مقصد عبارت از چیست؟
۳۴۲	۱۰. اراده و سجه
۳۴۳	۱۱. قصد
۳۴۶	۱۲. محرک
۳۴۸	۱۳. محرک غریزی و محرک شعوری
۳۵۱	اهمیت محرک غریزی
۳۵۴	اهمیت محرک شعوری
۳۵۹	۱۴. علاقه بین محرک و قصد
۳۶۰	۱۵. آیا لذت همیشه محرک است؟
۳۶۱	۱۶. آیا الم منفی لذت است؟
۳۶۴	۱۷. لذت معنوی
۳۷۶	۱۸. غایت غیر از لذت است
۳۷۷	۱۹. آیا عقل محرک است؟
۳۷۹	۲۰. پس محرک چیست؟
۳۸۰	موقف دوم: سلوک و سجه
۳۸۰	۱. سجه
۳۸۰	۲. دو عامل سجه: ارث و محیط
۳۸۱	۳. مزاج عصبی
۳۸۲	۴. غریزه
۳۸۴	۵. محیط
۳۸۷	۶. عواطف، خصال، عقده‌ها
۳۸۸	۷. عواطف
۳۸۹	۸. خصلت علم النفسی
۳۹۰	۹. عقده‌ها
۳۹۳	۱۰. تأثیرات عقده‌ها
۳۹۳	۱۱. مرض نفسی عصبی
۳۹۹	هیستریای انتقال

۴۰۴	 عقده‌ها و سلوک	۱۲
۴۰۴	 ترشح و تجسم	۱۳
۴۰۶	 جیره زیاد	۱۴
۴۰۸	 نفس اماره و لوامه	۱۵
۴۱۰	 سلوک	۱۶
۴۱۱	 حالات و ظروف	۱۷
۴۱۲	 عادات	۱۸
۴۱۷	 خودی منظم	۱۹
۴۲۲	 انساق سحیه	۲۰
۴۲۲	 تطوع حیوانات	۲۱
۴۲۳	 آزادی انسان	۲۲
۴۲۴	 بلندترین آزادی	۲۳
۴۲۶	 اندازه جبر و اختیار	۲۴
۴۳۴	 اراده و اسباب خارجی	۲۵
۴۳۷	 اراده و سابقه	۲۶
۴۳۹	 اراده و ایدیال	۲۷
۴۴۴	 آزادی اراده	۲۸
۴۴۷	 ایدیال	۲۹
۴۵۰	 جرائم بدوی سلوک در حیوانات پست	۳۰
۴۵۱	 سلوک وحشی‌ها	۳۱
۴۵۲	 رهنمای سلوک	۳۲
۴۵۳	 مُثُل ادبی و مُثُل اخلاقی	۳۳
۴۵۴	 موقف سوم: قضاوت و سند اخلاقی	
۴۵۴	 ۱. انکشاف وجدان	۱
۴۵۵	 ۲. بدو نمو قضاوت اخلاقی	۲
۴۵۶	 ۳. خودی قبایلی	۳
۴۵۷	 ۴. قضاوت و تمیز	۴
۴۶۱	 ۵. قوانین وضعی به حیث معیار اخلاقی	۵

۶. تصادم قوانین و عادات..... ۴۶۳
۷. تنازع قانون شرعی و قانون اخلاقی..... ۴۶۴
۸. موضوع قضاوت اخلاقی..... ۴۶۵
۹. نیت خوب..... ۴۶۶
۱۰. قضاوت بر عمل و بر عامل..... ۴۶۸
۱۱. قضاوت بر محرک است و یا بر قصد..... ۴۶۹
۱۲. کدام کس قضاوت می‌کند؟..... ۴۷۱
۱۳. نقد است و یا قضاوت؟..... ۴۷۱
۱۴. همدردی است یا نقد؟..... ۴۷۳
۱۵. خودی مثالی..... ۴۷۶
۱۶. عقل و یا جذبه؟..... ۴۷۹
۱۷. کمال..... ۴۸۳
۱۸. معیار به حیث قانون..... ۴۸۹
۱۹. «هست»، «باید»، «شاید»..... ۴۹۳
۲۰. امر قطعی..... ۴۹۴
۲۱. قانون طبیعت..... ۴۹۷
۲۲. حس و یا شعور اخلاقی؟..... ۴۹۹
۲۳. وجدان..... ۵۰۲
۲۴. قانون عقل..... ۵۰۵
۲۵. کانت و قانون عقل..... ۵۰۶
۲۶. مجال قانون وظیفه..... ۵۲۳
۲۷. لذت..... ۵۲۹
۲۸. سعادت..... ۵۳۲
۲۹. سعادت و خودی..... ۵۳۳
۳۰. تحقق خودی..... ۵۳۴
۳۱. آیا رندی تحقق خودی است؟..... ۵۳۵
۳۲. کمال..... ۵۵۴
۳۳. تطور جانب غایه..... ۵۵۵

۳۴. حدود تطور.....	۵۵۶
۳۵. توسط آغاز.....	۵۵۷
۳۶. توسط انجام.....	۵۶۲
۳۷. خود حقیقی.....	۵۶۳
۳۸. وفاق ذاتی.....	۵۶۶
۳۹. معانی سعادت.....	۵۶۸
۴۰. نفس مطمئنه و سعادت.....	۵۶۸
۴۱. سعادت و لذت.....	۵۶۹
۴۲. سعادت و مسرت.....	۵۷۱
۴۳. سعادت و ایديال.....	۵۷۲
۴۴. سعادت و حالات و ظروف.....	۵۷۴
۴۵. وظیفه و ایديال.....	۵۷۵
۴۶. پس معیار چیست؟.....	۵۷۹
۴۷. تصور معنی قیمت.....	۵۸۰
۴۸. معنی خیر.....	۵۸۲
۴۹. خیر اعلی چیست؟.....	۵۸۴
۵۰. خوب و صحیح.....	۵۹۵
۵۱. صحیح عندی و موضوعی (در ذهن و خارج ذهن).....	۵۹۶
۵۲. آیا همیشه صحیح واقعی مقیاس صحیح عندی است؟.....	۵۹۶
۵۳. آیا همه اعمال از نقطه نظر عندی صحیح گفته می شود؟.....	۵۹۷
۵۴. آیا همه اعمال از نقطه نظر موضوعی صحیح است؟.....	۵۹۸
۵۵. استناد معیار اخلاقی.....	۶۰۱
۵۶. به استناد قانون.....	۶۰۴
۵۷. صحت اخلاقی.....	۶۰۴
۵۸. به استناد وجدان.....	۶۰۶
۵۹. به استناد عقل.....	۶۰۷
۶۰. قطعیت سند اخلاقی.....	۶۰۸
۶۱. تطبیق نظریات بر عملیات.....	۶۱۰

۶۱۹	 بُعد دوم اخلاق (اجتماعی)
۶۱۹	 موقف اول: فکرت اجتماعی
۶۱۹	 ۱. خودی اجتماعی
۶۲۰	 ۲. خودخواهی و غیرخواهی
۶۲۲	 ۳. رأی یونانی‌ها درباره علم اخلاق
۶۲۳	 ۴. دنیای اجتماعی
۶۲۵	 ۵. جمعیت عضویتی است
۶۲۶	 ۶. حیات اراده‌ای است
۶۳۸	 ۷. وجدان محصول دنیای اجتماعی است
۶۴۱	 موقف دوم: نظام اجتماعی
۶۴۱	 ۱. امر اجتماعی
۶۴۱	 ۲. عدل
۶۴۲	 ۳. عرف خاص و عرف عام (یا قانون و رأی مردم)
۶۴۳	 ۴. حقوق و واجبات
۶۴۴	 ۵. حق حیات
۶۴۵	 ۶. حق آزادی
۶۴۶	 ۷. حق ملکیت
۶۴۷	 ۸. حق پیمان
۶۴۷	 ۹. حق تعلیم و تربیه
۶۴۸	 ۱۰. مؤسسات اجتماعی
۶۴۹	 ۱۱. خانواده
۶۴۹	 ۱۲. کارگاه
۶۵۱	 ۱۳. مدینه فاضله
۶۵۳	 ۱۴. مسجد
۶۵۴	 ۱۵. مملکت
۶۵۶	 ۱۶. دوستی
۶۵۷	 ۱۷. امر و نهی اخلاقی
۶۶۳	 ۱۸. عدل و احسان، یا وظایف و فضائل

۶۶۵.....	۱۹. رسوم و تقالید
۶۶۶.....	۲۰. بصیرت اخلاقی
۶۶۷.....	۲۱. عادات قومی
۶۶۹.....	۲۲. فضائل نسبت به مشاغل اجتماعی است
۶۷۰.....	۲۳. نظریهٔ اوساط
۶۷۱.....	۲۴. دسته‌بندی فضائل
۶۸۲.....	۲۵. فرد یا جماعت؟
۶۸۳.....	موقف سوم: تأثیر فرد بر جمعیت
۶۸۳.....	۱. فردیت مرکز جمعیت است
۶۸۴.....	۲. انبیا و تبدل
۶۸۵.....	۳. بازپرس خودی
۶۸۸.....	۴. حیات رهبانی
۶۹۰.....	۵. ارواح شریف
۶۹۱.....	۶. زهد
۶۹۲.....	۷. حیات تأملی
۶۹۴.....	۸. علاقه بین حیات داخلی و خارجی
۶۹۵.....	۹. قاب قوسین
۶۹۸.....	موقف چهارم: اثر جمعیت بر فرد
۶۹۸.....	۱. خلق تنگ
۷۰۱.....	۲. شر اخلاقی
۷۰۶.....	۳. رذیلت و گناه
۷۰۹.....	۴. عقوبت
۷۱۱.....	۵. نظریات دربارهٔ عقوبت
۷۱۳.....	۶. معذوریت
۷۱۵.....	۷. عفو
۷۱۶.....	۸. آیا سیاست عبارت از اخلاق جامعه است؟
۷۲۰.....	۹. آیا اخلاق رو به تکمیل است
۷۲۸.....	۱۰. آسمان اخلاق

۷۳۱	 بُعد سوم اخلاق (مابعدالطبیعه)
۷۳۱	 ۱. اخلاق و وحدت الوجودی
۷۷۷	 ۲. اخلاق و دین
۷۸۴	 ۳. نارسایی زندگی
۸۰۰	 ۴. نارسایی مجتمع
۸۰۱	 ۵. نارسایی علم
۸۱۱	 ۶. نارسایی فن
۸۱۴	 ۷. ضرورت به لایتناهی
۸۱۷	 ۸. دو لایتناهی
۸۱۸	 ۹. دو درسگاه عرفان
۸۲۱	 ۱۰. اقامیم سه گانه مثال کمال
۸۲۵	 ۱۱. خودی برین
۸۲۹	 ۱۲. نزاع لفظی
۸۳۱	 ۱۳. پهلوی اخلاقی دین
۸۳۳	 ۱۴. شیرازه بند اوراق بشر
۸۳۴	 ۱۵. تخلق به اخلاق الله
۸۳۷	 ۱۶. قانون اخلاق و معرفت خداوند
۸۴۷	 چهارم، خاتمه (تشوُّشات سلوک و معالجات)
۸۴۹	 ۱. تشوُّشات سلوک
۸۵۱	 ترس
۸۵۲	 جفتی
۸۵۳	 طموح
۸۵۳	 ۲. امراض عضوی
۸۵۵	 ۳. امراض وظفی اعصاب
۸۵۶	 ۴. امراض اخلاقی و گناه
۸۵۹	 ۵. مسئولیت
۸۶۲	 ۶. اعجاب به نفس
۸۷۲	 ۷. معالجات

۸۷۴.....	۸. تحلیل
۸۷۵.....	۹. تحلیل توسط سلوک
۸۷۶.....	۱۰. تحلیل خواب
۸۷۷.....	۱۱. تحلیل هابطه
۸۸۷.....	۱۲. اظهار روحیاتی (نه اظهار عملی)
۸۸۹.....	۱۳. تغییر تداعی
۸۹۲.....	۱۴. تزکیه
۸۹۵.....	ترس
۸۹۷.....	جفتی
۹۰۱.....	غریزه خودنمایی
۹۰۴.....	غریزه تثبیت خودی و غریزه انقیاد
۹۰۸.....	غریزه کنجکاوی
۹۰۹.....	غریزه مادری
۹۱۱.....	قیمت اجتماعی تزکیه
۹۱۳.....	۱۵. عناصر چهارگانه خودشناسی
۹۱۳.....	الف. خود را بشناس!
۹۱۶.....	ب. خود را بپذیر
۹۱۸.....	ج. خود، خود باش
۹۲۱.....	د. به خود راست باش
۹۲۴.....	۱۶. انابت
۹۲۷.....	۱۷. ترس مرگ
۹۵۳.....	فهرست واژگان

یادداشت ناشر

کتاب حاضر از آثار مهم علامه صلاح‌الدین سلجوقی در زمینه علم اخلاق است. او افزون بر این اثر، کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو را ترجمه کرده و چنان که خود در دیباچه می‌گوید، هدف او از نگارش مقدمه علم اخلاق این بوده است که «هم اثر مذکور را روشن‌تر سازد و هم خواننده عزیز را به اکثر دوره‌ها و مکاتب فکری اخلاق آشنا کند.» (ص ۶۷)

مقدمه علم اخلاق اول بار در سال ۱۳۳۱ شمسی، در مطبعه عمومی کابل چاپ شده است، البته با کیفیت نشر متناسب با امکانات و تجهیزات آن زمان. گذشت حدود هفتاد سال از چاپ اول و نایاب بودن این اثر ارزشمند، مؤسسه انتشارات عرفان را بر آن داشت که کتاب را با کیفیتی مطلوب و ویرایشی مطابق هنجارهای روز، دوباره به چاپ بسپارد و این به واقع در راستای همت این انتشارات برای نشر آثار ارزشمند ادب و فرهنگ کشور، به‌ویژه تألیفات و ترجمه‌های علامه سلجوقی است.

اما این دانشمند و مترجم توانمند، در عین حال ادیب و نویسنده‌ای بوده است صاحب سبک با نثری فاخر، استادانه و در عین حال دشواریاب. وفور واژگان کهن فارسی، واژگان عربی و نیز اصطلاحات خاص فارسی

افغانستان در نثراو، فهم آن را برای عموم مخاطبان امروز دشوار می‌سازد. از این روی لازم به نظر می‌آمد که هم در جهت حفظ اصالت زبان سلجوقی، از تصرف در متن پرهیز شود و هم به نحوی از دشواری‌های آن کاسته شود. این منظور با تدوین یک واژه‌نامه مفصل و در مواردی نیز درج پانوشت‌هایی برآورده شده است، تا فهم مطالب کتاب برای مخاطبان امروزی آن در همه اقالیم زبان فارسی، سهل باشد.

در مورد این واژه‌نامه گفتنی است که گاهی یک واژه یا اصطلاح، در فرهنگ‌های لغت معانی متعددی دارد. ما از آن میان معانی‌ای را برگزیدیم که مورد نظر نویسنده کتاب حاضر بوده است. در مواردی اندک، هیچ‌یک از معانی کلمات در فرهنگ‌ها، با منظور نویسنده مطابقت نداشته و حتی گاه آن لغت در فرهنگ‌های در دسترس ما یافت نشده است. در این موارد در واژه‌نامه معنایی را درج کرده‌ایم که از فحوای کلام نویسنده استنباط می‌شده است. البته این موارد چنان که گفتیم، بسیار نادر است.

افزون بر آن، یک ویرایش فنی از نظر رسم الخط، نقطه‌گذاری، و پاراگراف‌بندی مناسب هنجارهای امروزی چاپ و نشر نیز در متن انجام شده است. کیفیت حروف‌چینی چاپ مرجع ما (چاپ اول کتاب) بسیار پایین بوده است و سرشار از خطاها و پریدگی حروف، که خواندن آن را در مواردی دشوار ساخته است. ما در این ویرایش تا حدی که قابل تشخیص بود آن‌ها را اصلاح کردیم و در صورت لزوم در پانوشت نیز یادآوری کردیم. در مواردی نادر، به نظر می‌رسید که کلماتی در چاپ افتاده است و این‌ها در قلاب [] افزوده شد. پانوشت‌های حاصل از این ویرایش با کلمه «ویراستار» مشخص شده است. پانوشت‌های اصلی کتاب بدون این قید است.

گفتنی است که ضبط واژگان و اصطلاحات فرنگی، در فارسی افغانستان تفاوت‌هایی با فارسی ایران دارد، مثل «انرجی / انرژی»، «آکسیجن /

اکسیژن»، «سپینوزا / اسپینوزا» و البته در مواردی سبک شخصی و زمان نگارش کتاب هم در قضیه دخیل است، یعنی گاهی کلمات با آنچه امروز در افغانستان به کار می‌رود هم متفاوت است، مثل «نیتچه / نیچه». ما برای حفظ اصالت متن و نیز به این هدف که کتاب نموداری از نثر فارسی امروز افغانستان باشد، اکثر قریب به اتفاق کلمات را به همان شکلی آوردیم که در متن مرجع ما بود، مگر در مواردی اندک که کلمه اکنون در افغانستان هم به شکلی دیگر نوشته می‌شود و ما آن شکل را اختیار کردیم.

هم‌چنین در متن کتاب در برابر بسیاری از نام‌ها و اصطلاحات، معادل انگلیسی آن‌ها درج شده بود. ما این کلمات انگلیسی را به پانوش منتقل کردیم تا متن دوزبانه نشود. دیگر این که کتاب در چاپ مرجع ما در دو مجلد بوده (با عنوان «برخ اول» و «برخ دوم») و اینک هر دو در یک مجلد گنجانده شده است.

از جناب دکتر محسن جوادی به خاطر تشویق‌ها و حمایت‌هایشان که با نوشتن مقدمه‌ای بر این کتاب نیز همراه شد، سپاسگزاریم. همین‌طور از گروه ویراستاری این کتاب برای آماده‌سازی آن در شکلی که مشاهده می‌کنید، قدردانی می‌کنیم. امیدواریم که با این تمهیدات و تلاش‌ها، این اثر ارجمند با کیفیتی مطلوب و راضی‌کننده تقدیم حضور جامعه فرهنگی فارسی‌زبان، به‌ویژه دوستداران آثار صلاح‌الدین سلجوقی شده باشد.

محمد ابراهیم شریعتی

شهریور ۱۴۰۰

پیش‌گفتار

رساله دکتری بنده در مورد «نظریهٔ سعادت ارسطو» بود و برای همین، چندین ترجمهٔ فارسی و عربی و انگلیسی از اخلاق نیکوماخوس ارسطو جمع کرده بودم و به آن‌ها رجوع می‌کردم. تازه از رساله دفاع کرده بودم و فرصتی برای گشت‌وگذار در شهر داشتم که به کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران سرزدم. کتاب اخلاق نیکوماخوس، ترجمهٔ صلاح‌الدین سلجوقی که از طرف نشر عرفان چاپ شده بود، توجه مرا جلب کرد. اما من که دل خوشی از برخی ترجمه‌های فارسی نداشتم، با خود گفتم: «این هم یکی از آن ترجمه‌هاست»، به ویژه که نام مترجم را برای اولین بار می‌دیدم. بابی میلی کتاب را خریدم و برخلاف انتظار، آن را ترجمه‌ای دقیق و بانثر فارسی اصیل و فصیح یافتم. به تجربه، برخی جاهای اخلاق نیکوماخوس را یافته بودم که اکثر مترجمان، آن‌ها را خوب ترجمه نکرده بودند. اما صلاح‌الدین سلجوقی نه فقط از روی فهم درست ترجمهٔ انگلیسی کتاب ارسطو، بلکه به کمک درک عمیقی که از اخلاق و فضیلت داشت، ترجمهٔ دقیق‌تری داده بود.

مدت‌ها در جست‌وجوی آثار دیگری از وی برآمدم، اما چیزی جز نام

چند کتاب در فضای مجازی، بدون دسترسی به محتوای آن‌ها، نیافتیم. دیگر فقط به همین کتاب وی بسنده کردم و در هر فرصتی از آن استفاده می‌کردم.

سال‌ها بعد به اقتضای مسئولیت خود در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با کتاب‌های دیگر صلاح‌الدین سلجوقی آشنا شدم و همان روزها بود که به لطف آقای محمدابراهیم شریعتی از نشر عرفان، کتاب دوجلدی مقدمه علم اخلاق تألیف و ترجمه صلاح‌الدین سلجوقی که در سال ۱۳۳۱ در مطبعه عمومی کابل چاپ شده بود به دست من رسید. این بار با توجه به آشنایی قبلی با صلاح‌الدین سلجوقی، از همان آغاز با اشتیاق کتاب را خواندم و نکته‌های بدیعی در آن یافتیم.

سلجوقی، فروتنانه کتاب را ترجمه و تألیف می‌نامد، در حالی که به نظر بنده که کم‌وبیش با مکتوبات اخلاقی آشنا هستم، مطالب نو و محصول فکرو اندیشه خود وی در آن بسیار است. کتاب به رغم آنکه در زمانه عسرت اندیشه اخلاقی در جهان اسلام نوشته شده است، علاوه بر اصالت و بهره‌مندی از سنت اصیل اسلامی، دارای نوآوری و خلاقیت در طرح ایده‌های اخلاقی است. وی در این کتاب، هم به بحث‌های بنیادی اخلاق پرداخته است و هم تاریخ اندیشه اخلاقی را طرح کرده است.

واقعاً چه توفیق بزرگی است که استادی فروتن و بی‌ادعا که ظاهراً بخشی از عمر خود را هم در سیاست گذرانده و به تدبیر امور مسلمانان اهتمام کرده است، اثری کلاسیک همچون اخلاق نیکوماخوس را از انگلیسی به فارسی برگرداند و سپس با درک اینکه مطالب آن برای خوانندگان فارسی و جوانان وطن سخت است، در پی نگارش کتابی مستقل با محتوای مقدمه‌ای در علم اخلاق برآید تا فهم کتاب ارسطو را سهل و ساده کند.

کتاب مقدمه علم اخلاق به تبع امکانات چاپ و نشر آن روزگار، با

حروفچینی نامناسب و حتی بدون ویرایش فنی چاپ شده است و خواندن آن برای مخاطبان امروز دشوار است. به علاوه نسخه‌های آن هم بسیار کمیاب است و نادر. جای تعجب است که بسیاری از نسخه‌های خطی قرن‌های گذشته مورد اهتمام مصححان و مراکز نشر قرار گرفته و به صورت کتاب‌های خوش‌خوان در اختیار خوانندگان قرار گرفته است، که البته کاری است ستودنی. اما چرا از آثاری چاپی که خوانش آن دشوار است و در دسترس خوانندگان نیست، غفلت شده است.

اینک جای خوشحالی است که این اثر ارزشمند مورد توجه قرار گرفته است و با ویرایش دوست دانشور جناب آقای محمدکاظم کاظمی و همکارانشان و با همت جناب آقای محمدابراهیم شریعتی به زیور طبع آراسته می‌شود. من همین جا از این همه این عزیزان تقدیر و تشکر می‌کنم.



برای نشان دادن تصویری کلی از نگرش اخلاقی استاد صلاح‌الدین سلجوقی، بر چند نکته با الهام از دیباچه کتاب تأکید می‌کنم.

سلجوقی نقطه شروع اخلاق را سه چیز برمی‌شمرد؛ یکی «واجب دینی»، دیگری «وظیفه اخلاقی» و سوم «لزوم داشتن مثال و ایده‌آل در رفتار زندگی». از نظر او وجود آدمی و معاد او و اصل داشتن شعور در انسان بی‌مقصد نیست. اما دریافت مقصد نهایی کار بداهت حس نیست؛ بلکه استدلال عقلی می‌خواهد که کار فلسفه اخلاق و اخلاق مثالی است. وی با استدلال‌های عقلی گزینه‌های مختلف برای سعادت انسان یا همان مقصد نهایی حیات را رد می‌کند.

وی در رد لذت‌گرایی همانند ارسطو بر تبعی بودن لذت نسبت به کارکرد غرایز تأکید می‌کند و آن را برای اینکه مقصود نهایی حیات باشد فاقد صلاحیت می‌داند. هم‌چنین پژوهاک لذت‌گرایی در تاریخ اروپا را بسیار

گسترده می‌بینند و بنیان بسیاری از نظریه‌های جدید مانند سودگرایی را همان لذت‌گرایی می‌داند.

به نظر سلجوقی بسیاری از این نظریات، ارتقای سطح پایین ذهنیت بشر به سطح بلند آن نیست (احتمالاً مراد از سطح بلند ذهنیت بشر، اتصال به عالم مُثُل افلاطونی است) و بلکه برعکس در پشت سر آن‌ها صورت‌هایی مسخ‌شده از لذت‌گرایی را می‌بیند. به گمان وی بسیاری از آنچه به عنوان «نظریه اخلاقی» در دسترس ماست، در نهایت لذت و منفعت را اصل اول و غایت آخر حیات بشر می‌سازند، در حالی که کار فلسفه اخلاق تعدیل تحقق ذاتی و نفس مطمئنه است.

وی به وظیفه‌گرایی کانتی هم اشاره می‌کند و در نقد آن می‌گوید: «اگر بخواهیم که قانون وظیفه را مبدأ خود قرار دهیم و این قانون وظیفه، ارتباطی به مابعدالطبیعه و عالم الهی نداشته باشد، باز هم به وجدان فرد و خودی‌های پست تکیه می‌کند و از یک خواهش محض، قوت و سمو بیشتری نخواهد داشت.» هم‌چنین در نقد ارسطو هم به ابهام کلمه «خیر» که اساس نظریه سعادت ارسطو است اشاره می‌کند و می‌گوید برخلاف افلاطون امکان برداشت‌های طبیعت‌گرایانه از خیر ارسطویی / نظریه وی را با اشکال مواجه ساخته است.

از نظر سلجوقی باید فلسفه اخلاق کاری کند که برای انسان، ایده‌آل پیدا شود و براساس آن ایده‌آل، سطح او بالا برود. وی معنای سخن معروف سقراط را که می‌گفت «فضیلت معرفت است»، نه یگانگی فضیلت و معرفت، بلکه رشد فضیلت از راه معرفت می‌شمارد.

او بر آن است که تخلق به اخلاق الهی و کمک به دیگری بدون چشمداشت لذت یا منفعت و کمال و یا سعادت، چیزی است که در نهایت، هم لذت و منفعت را برای او به ارمغان می‌آورد و هم کمال

و سعادت را؛ و از سوی دیگر می‌تواند انجام وظیفه در برابر عقل و وحی به شمار آید.

سلجوقی آنگاه به موضوع مهم دیگری اشاره می‌کند و می‌گوید در قدسیت مبادی اخلاق تردید نیست. اما چیزی که باید درباره آن گفت و گو کرد، این است که بشر تا چه اندازه برای قبول آن حاضر شده و می‌شود. او به رغم نگاه یأس‌آمیزی که از همان زمانه حکیمان یونان در این خصوص وجود دارد، استقبال نسل جوان از آثار اخلاقی را شاهی بر شکوفایی علاقه به اخلاق در جامعه می‌داند و به آینده بشر از این جهت امیدوار است. آنگاه به سؤال مهم دیگری می‌پردازد و می‌گوید چرا گاهی افراد یک جامعه در درون آن جامعه به معیارهای اخلاقی پای‌بندی نشان می‌دهند، اما آن جامعه در ارتباط با جوامع دیگر از معیارهای اخلاقی فاصله می‌گیرد و بر مبنای سلطه بر آن جوامع عمل می‌کند؟

نفس طرح این پرسش‌ها نشان می‌دهد که سلجوقی مسائل اصلی اخلاق را می‌داند و در راه جواب به آن‌ها گام برداشته است. پاسخ وی به سؤال اخیر جالب است. وی می‌گوید «افراد چنین جامعه‌ای، به خودی اجتماعی و خودی حقیقی و خودی مابعدالطبیعه خود وقوف نیافته‌اند و صرفاً اخلاق علم‌النفسی است که دارند.» (ص ۴۹)

سلجوقی در پایان دیباچه از گرفتاری در مشاغل سیاسی و اداری می‌نالَد و از محرومیت از حیات تأملی شکوه می‌کند. از اینکه نسل جوان اسیر دیدگاه‌های غیر اخلاقی شود که متأسفانه گاهی به نام اخلاق معرفی می‌شود، شکوه دارد و می‌گوید: «جوان نهالی است که به عمیق‌ترین آرجاء فطرت ریشه حیات دوانده و خیلی ظلم است که شاخسار آن بر یک سطح پستی خم شود و به اوجی که هوا و نور حقیقی خود را از آن می‌گیرد نرسد.»

خداوی را رحمت کند و به ما توفیق استفاده از آثار وی و یافتن دانشی ژرف بدهد تا به گفته وی حیات را بهتر و عمیق‌تر دریابیم. سخن پایانی را عبارت پرمعنایی از وی قرار می‌دهم که می‌گوید: «مطالعه عمیق، اعماق ژرف و نیلگون حیات را بهتر نشان می‌دهد و سلوک عمیق‌تر و متین‌تری را تقاضا می‌کند و مطالعات سطحی انسان را به ظواهر طبیعت فریفته می‌سازد. ولی متأسفانه درهم‌های سمینی که شکوفه در قدم‌های ما نثار می‌کند، نمی‌تواند در بازار جدی حیات، آن‌طور نقدی شود که بتوانیم به بهای آن بضاعتی به دست آوریم.» (ص ۶۹)

محسن جوادی
استاد دانشگاه قم
شهریور ماه ۱۴۰۰

زندگی نامه مؤلف

سلجوقی (sal.ju.qi)، صلاح الدین فرزند سراج الدین، هرات ۱۲۷۴ - کابل ۱۳۴۹ ش، شاعر، پژوهشگر و دولتمرد افغانستان. مقدمات علوم عربی و ادبیات پارسی را نزد پدرش که از فرهیختگان بنام هرات بود، فراگرفت. سپس از محضر دیگر دانشوران آن جا بهره ها برد. وی در یادگیری آرای اندیشمندان یونانی و دانش نوین اروپاییان اهتمام فراوان ورزید و فلسفه را با تصوف درآمیخت. وی از ۱۲۹۴ ش به تدریس ادبیات پارسی و تازی در مدرسه حبیبیه کابل پرداخت. در ۱۲۹۷ ش مدیریت معارف هرات را برعهده گرفت و از ۱۳۰۰ ش در مدرسه استقلال تدریس کرد. از ۱۳۰۲ ش در سمت منشی دارالتحریرشاهی کار کرد. به هندوستان رفت و با سمت کنسولی در بمبئی کار کرد و سپس، مدتی، سرکنسول کشورش در دهلی بود. چون به میهنش بازگشت، به ریاست مستقل مطبوعات برگزیده شد. از ۱۳۲۷ ش مستشار سفارت افغانستان در پاکستان شد. در ۱۳۲۸ ش، به نمایندگی مردم هرات، در هفتمین دوره مجلس شورای ملی برگزیده شد. در ۱۳۳۲ ش، بار دیگر، به سمت ریاست مستقل مطبوعات گمارده شد. از ۱۳۳۳ ش سفیر کشورش در مصر بود. سلجوقی شاعر و پژوهشگری

ژرف‌اندیش، در زمینه‌های ادبی، عرفانی، فلسفی و زیبایی‌شناسی بود؛ آن‌گونه که خلیلی در آثار هرات از وی به نام روح بسیار دانای هرات یاد کرده است. سلجوقی در شناخت آرا و احوال بیدل، حافظ و مولانا از دانشی ژرف برخوردار بود. خاقانی را می‌ستود و به گلشن راز شبستری دل‌بستگی بسیار داشت. افزون بر مقاله‌های فراوانی که از سلجوقی در مطبوعات منتشر شده، وی دارای تألیفات و ترجمه‌های متعدد نیز بوده است. از آثارش: افکار شاعر (کابل، ۱۳۲۶ و ۱۳۳۴ ش)؛ جبیره (کابل، ۱۳۴۳ ش)؛ تجلی خدا در آفاق و انفس (کابل، ۱۳۴۳ ش)؛ تقویم انسان (کابل، ۱۳۵۲ ش)؛ مقدمه علم اخلاق (کابل، ۱۳۳۱ ش)؛ نقد بیدل (کابل، ۱۳۴۲ ش)؛ نگاهی به زیبایی (کابل، ۱۳۴۳ ش)؛ الاسلام فی العلوم والفنون به عربی (مصر، ۱۳۷۵ ق)؛ افسانه فردا؛ قواعد ادبیه؛ ثروت؛ اخلاق؛ ادبیات؛ ترجمه کتاب‌های محمد در شیر خوارگی و خردسالی یا سرگذشت یتیم جاوید اثر شوکت التونی، علم الاخلاق نیکوماکوسی اتردی پی چیز (کابل، ۱۳۷۱ ق)، تهذیب الاخلاق ابن مسکویه (کابل، ۱۳۳۲ ش)، و بخشی از جلد دوم تاریخ فتوحات اسلامی (هرات، ۱۳۰۹ ش).^۱

۱. این زندگی‌نامه افزوده چاپ حاضر است و برای آشنایی خوانندگان محترم با صلاح‌الدین سلجوقی، از این منبع نقل شده است: دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، ادب فارسی در افغانستان، به سرپرستی حسن انوشه، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، تهران ۱۳۷۵. ذیل مدخل «سلجوقی».